

مهرست مطالب

ه	درباره نویسنده
یازده	پیشگفتار
	بحث اول مدرن شدن عثمانی و فروپاشی امپراتوری (۱۸۰۰-۱۹۱۸)
۳	فصل اول نخستین اقدامات اصلاح‌گرایانه (۱۸۰۰-۱۸۳۹)
۶	نظم تمرکزگرای حدید
۱۰	حش نظام حدید
۱۲	پیشرفت‌های سیاسی
۱۸	تحول اقتصادی و اجتماعی، اشراف و حکومت مرکزی
۲۲	نظام حدید و پیشرفت‌های خارجی
۲۵	پایان طبقه اشراف، اصلاح‌گرایی و مدرنیسم در معای اروپایی
۳۰	عوامل اقتصادی و اجتماعی قیام‌ها، ملی‌گرایی و شورش یونان
۳۸	وصیعت ابتدایی حش‌های اصلاحی (۱۸۰۰-۱۸۳۹)
۴۵	فصل دوم دوره تنظیمات (۱۸۳۹-۱۸۷۶)

فصل هشتم دورهٔ حضور حرب دموکرات در دولت (۱۹۵۰-۱۹۶۰) ۲۰۷	۴۵	دستاوردهای تنظیمات (۱۸۳۹-۱۸۵۶)
بحث سوم دموکراسی واقعی و حس و حوی هویت واقعی (۱۹۶۱-۲۰۱۲)	۵۷	پایان دورهٔ تنظیمات سلطنت سلطان عبدالعزیز (۱۸۶۱-۱۸۷۶)
فصل نهم چارچوب کلی جماعت، ملت و قدرت‌گیری طبقهٔ متوسط آناتولی ۲۱۹	۷۵	فصل سوم دورهٔ سلطان عبدالحمید (۱۸۷۶-۱۹۰۸)
فصل دهم حس و حوی دموکراسی در سایهٔ قیمومت نظامی (۱۹۶۱-۱۹۷۱) ۲۳۱	۷۶	پیشرفت‌های عرصه سیاست خارجی
تحولات در درون حرب جمهوری خواه حلق ۲۴۴	۸۴	تحول اجتماعی - اقتصادی و مهاجرت‌ها
فصل یازدهم پیچیدگی دولت‌های ائتلافی (۱۹۷۱-۱۹۸۰) ۲۵۵	۹۱	مشروطه اول و حیات سیاسی حدید
فصل دوازدهم نه سوی دورهٔ حدید کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ۲۶۷	۹۵	فصل چهارم دورهٔ اتحاد و ترقی (۱۹۰۸-۱۹۱۸)
فصل سیزدهم دورهٔ تورگوت اوزال نارگشت به حویشت و عادی‌سازی امور (۱۹۸۳-۱۹۹۳) ۲۷۷	۹۷	دورهٔ اول (۱۹۰۸-۱۹۰۹)
فصل چهاردهم حس و حوی اصالت و هویت واقعی، و اسلام ۲۸۹	۱۰۲	دوره دوم (۱۹۰۹-۱۹۱۳)
حس دیدگاه ملی ۲۹۵	۱۰۹	دوره سوم (۱۹۱۳-۱۹۱۸)
فصل پانزدهم افول نظم سابق و گرایش به ظهور یک نظم نوین (۱۹۹۳-۲۰۰۲) ۲۹۹	۱۱۶	نگاه کلی به دورهٔ اتحاد و ترقی
فصل شانزدهم حاکمیت حرب عدالت و توسعه (۲۰۰۲-۲۰۱۲) ۳۰۹	۱۲۱	تحول در عرصهٔ دولت ملی و ملی‌گرایی
محفل روشنفکران و پیوند تُرک و اسلام ۳۱۷		
گذر از ایدئولوژی به واقعیت‌های کشور ۳۱۸		
تحولات در عرصهٔ سیاست ۳۲۶		
		بحث دوم تأسیس نظام جمهوری و ورود به حیات چندحربی (۱۹۱۸-۱۹۶۰)
	۱۳۱	فصل پنجم حس رهایی‌بخش ملی (۱۹۱۸-۱۹۲۲)
	۱۳۱	اشغال‌های خارجی و حس‌های مقاومت
	۱۴۰	دورهٔ رهبری مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) و کنگره‌ها
	۱۴۷	مجلس ملی کسر و استقرار اراده ملی
	۱۵۷	عملیات نظامی و غلبهٔ ملی
	۱۶۹	فصل ششم دورهٔ اصلاحات (۱۹۲۳-۱۹۳۸)
	۱۶۹	بارتعریف هویت ملی
	۱۷۳	مبانی فکری دسته‌بندی‌های سیاسی
	۱۸۵	پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی (۱۹۲۸-۱۹۳۸)
	۱۹۵	فصل هفتم دوره ایؤبو و گذر به دموکراسی (۱۹۳۸-۱۹۵۰)

۳۲۸ حرب عدالت و توسعه و مسائل اقتصادی
۳۳۳ روابط حرب عدالت و توسعه و ارتش

۳۴۵ فصل هفدهم دیپلماسی خارجی ترکیه (۱۹۵۲-۲۰۱۲)

۳۵۱ چالش قبرس و روابط ترکیه و یونان

۳۵۵ جغرافیای شوروی سابق

۳۵۹ حوره بالکان

۳۶۲ جهان اسلام

۳۶۴ اتحادیه اروپا

۳۶۷ سیاست خارجی فعال حرب عدالت و توسعه

۳۶۸ روابط ناپکک، عراق و امریکا

۳۷۹ فصل هجدهم نکات پایانی

۳۹۱ پیوست‌ها

۳۹۱ روسای جمهور جمهوری ترکیه

۳۹۳ فهرست اختصارات اسامی احزاب

۳۹۵ نتایج انتخابات پارلمانی سال‌های ۱۹۵۰-۲۰۰۹

۴۲۷ منابع

فصل اول

نخستین اقدامات اصلاح‌گرایانه (۱۸۰۰-۱۸۳۹)

قرن نوزدهم در تاریخ امپراتوری عثمانی، دوره‌ی تمهید مقدمات برای شکل‌گیری نظام جمهوری ترکیه و برآمدن دولت‌های متعدد در دو منطقه‌ی بالکان و آسیای غربی (حاورمیانه) است. فرایند «صعته‌ی شدن» آغازشده از سده‌های قبل و امپراتوری اقتصادی - سیاسی برآمده از آن، که تأثیرات تحول‌آفرین خود را از طریق عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نمایان کرده بود، در قرن نوزدهم حوامع متنی بر سست را به سمت دگرگونی‌های عظیم سوق دادند بدون تردید، برای بررسی مطلوب این تحولات و دگرگونی‌ها که دولت عثمانی را بیز متاثر کردند محتاج رویکردها و مفاهیم دقیق و واقعی هستیم در اینجا به حای فهرست کردن وقایع دوره‌ی عثمانی، روند و چگونگی برآمدن جمهوری ترکیه را بررسی خواهیم کرد. مهم‌ترین مسئله‌ای که دولت عثمانی در قرن نوزدهم با آن مواجه شد ناتوانی نهادهای اداری از انجام وظایف ضروری خود بود به تعبیر دیگر، این مسئله تا حایی که در دیوان‌سالاری ممکن بود، با عاویبی

«دیوان سالاری» به شدت تحت تأثیر فرهنگ اروپا قرار داشتند اتحاد کردند این نوع مدیراسیون که طبقه نالای دولت عثمانی را تغییر داد، در دوره سلطان سلیم سوم آغار شد و در دوره سلطنت محمود دوم ادامه یافت به این طریق، اصلاحات که اروپا را الگوی خود قرار داده بود، در بالاترین سطح از طرف شخص سلطان به عنوان نماینده دولت شروع شد

در حوامع اسلامی «دولت» به دلیل اینکه تشکیلاتی است که بر امور سیاسی، معنوی و دینی مردم هم نظارت می کند، واحد هویتی بسیار متفاوت با دولت‌های اروپایی است این هویت و وظایف در اسلام تا حد امکان، دولت را از مردم حدایی ناپدید می کرد و حاکمان به حای دولت، وظایف مردم را به حای آوردند و همچنین سلطان به خودی خود در میان مردم نفوذ و احترام زیادی داشت به دلیل محوریت دین اسلام، مردم فقط هنگامی که وظایف دینی شان را به حای آوردند می توانستند از دستورهای حاکمان سرپیچی کنند اقدامات اصلاحی سلیم سوم و محمود دوم در اصل به دلیل اینکه مدیراسیون سیاسی و فرهنگی بود، دولت و ملت را از همان ابتدا در تقابل فرهنگی لایحلی قرار داد به طور کلی جامعه عثمانی که بر اساس فلسفه، تشکیلات و عقاید دولت اسلامی تأسیس شده و ارتش را هم بر اساس آن تعلیم داده بود و خصوصیت فرهنگی و اجتماعی ویژه خود را داشت، به دلیل اصلاحات وارد شده، حواه ناخواه از برخی خصوصیاتش به دلیل ارتباط با فلسفه دولت و مؤسسات اروپایی چشم پوشی کرد

مسئله اساسی احد این اصول و بهادها به صورت مادی بود، بلکه حقیقت و تفکری بود که در طس این حرکت قرار داشت، یعنی «رتز دیدن تمدن اروپا از تمدن خود» در این میان، سلطان و صوف اداری اصلاحات در عین حفظ ارتباط با دین، اقدامات اصلاحی را

مانند عقلانیت، سیستماتیک و پرنارده بودن، دولت، متفکران و مردم را پیوسته در رمان‌های مختلف به خود مشغول می کرد و امروز هم به شکلی دیگر مهم ترین معصل این کشور است

مدیراسیون در اصل راهی برای مقابله با قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی اروپا، و حفظ و پیوستگی آزادی سیاسی و هویت اجتماعی و فرهنگی است از همان آغار، دو رویکرد اصلی برای پیگیری تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیل نام «مدیراسیون» و خود داشت رویکرد بحسب، صمن پذیرش فناوری - به عنوان عامل قدرت اقتصادی و نظامی اروپا - و سارمان آن، برای تغییرات فرهنگی و اجتماعی اولویت فرعی قابل بود در یک ناره رمایی، سارگاری تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با تغییرات فسی، طبیعی بود رویکرد دوم از فناوری و عوامل مادی مرتبط با آن چشم پوشیده، به تشکیلات سیاسی، اندیشه و سسک رندگی اروپا اولویت می داد و آن‌ها را بحسب شرط مدیراسیون قلمداد می کرد در واقع ژاپن با پیگیری رویکرد بحسب توانست طی بیست تا سی سال به سطح اقتصادی و نظامی اروپا برسد در مصر محمدعلی پاشا بعد از سال ۱۸۱۰ با پیگیری شیوه‌ای مشابه ژاپن، در یک ناره رمایی بیست ساله پایه گذار اقتصاد و ارتش مدرن شد، اما به دلیل به کارگیری نیروهایش علیه دولت مرکزی عثمانی، این اقدام او با تحریک فراسوی‌ها به صرر دیبای اسلام تمام شد

در قرن هجدهم دولت عثمانی پس از اینکه در چارچوب فرهنگ و تاریخ خود، در رمیه نوسازی نظامی اقداماتی را احرا کرد، در اواخر این قرن با الگو قرار دادن اروپا، تغییرات سیاسی، اداری و فرهنگی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد این تصمیم را سلطان سلیم سوم و گروه کوچک اصلاح طلب تحت حمایت او که در